

"مدال" تحریم انتخابات را تقسیم کنید!

بنابراین، آن مقالات در دشمنی با خط و مشی کنونی سازمان نیست، بلکه در رقابت با آن و مطرح کردن دوباره رهبری خویش است! او یک تنه به میدان آمده و یا همکاران، یاران و حامیان جدیدش نیز مدعی اند یا نه؟ آینده نشان خواهد داد، زیرا شتاب بیهوده برای پاسخگویی مشکلی را حل نمی‌کند!

در این میانه میدان، ما چه می‌گوییم و چرا خودمان را وارد ماجرا کرده‌ایم؟

راستش، نه خیال بازکردن دفاتر گذشته را داریم و نه این دفترگشائی را ضروری می‌دانیم. این مقدمه را باید برای خوانندگان خود می‌نوشتیم تا با یاری گرفتن از حافظه خود، ماجرای اصلی که می‌خواهیم بدان پردازیم را دنبال کنند.

ماجرای این است، که نشریه "میهن" در شماره ۱۵ خود، سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت را با استدلالی که در زیر می‌خوانید متهم کرده که این سازمان خیلی دیر به جمع تحریم انتخابات اخیر مجلس در ایران پیوسته است و لابد به این دلیل، آنچنان که باید انقلابی نیست!:

"... اما آن چه موجب تاسف است، آن است که جریاناتی (توجه شود: بر اساس دیالگ کتبی آقایان دمکرات شده و طرفداران آزادی و آزادی احزاب، که می‌خواهند زمام امور ایران را در دست بگیرند، سازمان فدائیان اکثریت و حزب دمکراتیک مردم ایران، نه حزب، بلکه "جریانات" هستند! و لابد اگر صاحب قدرت شوند، این "جریانات" باید به "گروهک" تغییر نام یابند!) مثل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و یا حزب دمکراتیک مردم ایران (رقیب دیگر علی کشتگر و یاران جدیدش) بدون آن که در این بازی (منظور همان تحریم انقلابی است!) راهی داشته باشند، تا آخر حاضر به تحریم نبوده (از کجا ایشان چنین اطلاعی را داشته معلوم نیست!) و فقط هنگامی که نهضت آزادی و آقای سبحانی از ادامه تلاش خود اعلام انصراف کردند، این دو جریان به تاکتیک تحریم پیوستند..."

نشریه "کار" در پاسخ به این ادعا، که آترا دروغ‌پردازی نیز ارزیابی کرده، بخشی از اطلاعیه آسان ماه سازمان را منتشر ساخته که در آن تحریم انتخابات تصریح شده است. آن قسمت مورد نظر و مندرج در نشریه کار نیز به شرح زیر است:

"... تا آن جا که به سازمان ما مربوط می‌شود، شورای مرکزی سازمان روز ۸ آبان ۱۳۷۴ یعنی ۴ ماه پیش از برگزاری انتخابات و دو ماه پیش از آن که مدیر مسئول میهن (علی کشتگر) با امضاء بیانیه ۹ نفره (یاران جدید علی کشتگر) به جمع تحریم کنندگان انتخابات پیوستند، با صدور اطلاعیه‌ای از مردم ایران خواست که در انتخابات شرکت نکنند... چه پیش و چه پس از صدور این اطلاعیه، ما در سرمقاله‌ها و مقاله‌های متعدد در نشریه "کار" ضرورت تحریم انتخابات را باز نمودیم و از جمله تعلیل برخی از نیروها در پیوستن به این تحریم را مورد انتقاد قرار دادیم. در واقع هرکس سرسوزنی به مسائل جنبش و مواضع اپوزیسیون علاقمند باشد، از موضع ما در این زمینه اطلاع دارد..."

بنابراین دو نوشته و توضیح، در دو نشریه "کار" و "میهن" هر دو (هم سازمان اکثریت و هم علی کشتگر و یاران جدیدش) مدعی درک زودتر ضرورت تحریم انتخابات می‌باشند.

انتخابات برگزار شد، اما پیامدهای آن در ایران، تازه آغاز شده است، که ما برای اطلاع از اوضاع واقعی داخل کشور، تا حد توان خود در منعکس ساختن این پیامدها کوشیده‌ایم و باز هم خواهیم کوشید. پیامدهای تحریم هم گویا همین ادعاهائی است که در مهاجرت منعکس است و ارتباطی با اصل حادثه ندارد!

برای آنکه ادعای بی‌پایه و اساس نکرده باشیم، پیامد تحریم و پیشتازی در این ابتکار انقلابی را به نقل از همین شماره نشریه "کار" که توضیح بالا، درباره پیشتازی در تحریم، از آن گرفته شده است، - یعنی شماره ۱۳۲ - اردیبهشت ماه ۷۵ - چند خطی را از سرمقاله بر گرفته و در زیر منعکس می‌کنیم. از گزارش خبری صفحه دوم همین شماره کار نیز، که سرمقاله کار باید تحت تاثیر واقعیات مندرج در آن تنظیم شده باشد، چند خطی را می‌آوریم. مقایسه این مجموعه در کنار هم، باید نتیجه دیگری را درباره تحریم انتخابات و اینکه "کی" اول انقلابی بود و "کی" دوم بدست بدهد. کار در سرمقاله خود و در ارزیابی از نتایج انتخابات مجلس می‌نویسد:

"علی کشتگر" از رهبران سابق سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران است. وی در جریان روند اتحاد و پیوند این سازمان با حزب توده ایران (در سال‌های پس از پیروزی انقلاب) فراکسیون هلیسل رودی-کشتگر را بوجود آورد که از موضع چپ و انقلابی (!) دوری گزیدن این سازمان از مشی چریکی را اپورتونیسم و انحرافی تحلیل کرد. آنها سرانجام گروهبندی انشعابی خود را تشکیل دادند و با حقوق مساوی با بقیه سازمان، اعلام استقلال کردند. بدین ترتیب دو سازمان "اکثریت" اعلام موجودیت کرد. یکی همین سازمان فدائیان خلق ایران که اکنون نشریه "کار" را منتشر می‌کند و دیگری به رهبری کشتگر و هلیسل رودی، "اکثریت" دوم را تشکیل دادند و تحت عنوان "کار" نیز نشریه منتشر کردند. شرح سیروسگذشت این انشعاب، مرگ ناگهانی هلیسل رودی، نوشته‌های نشریه تحت رهبری او در داخل کشور - پیش و پس از یورش به حزب، استحاله کامل "علی کشتگر" از موضع ماورا، چپ به ماورا، راست در مهاجرت و... همگی بخشی از سرگذشته و پیامدهای آن انشعاب است. آقای "علی کشتگر" که ظاهراً دیگر کاری به کار سازمان فدائیان خلق ایران نباید داشته باشد، اخیراً به یاری برخی از چهره‌های شناخته شده سوسیال دمکرات ایران و طرفداران مرحوم خلیل ملکی، نشریه "میهن" را منتشر می‌کند. خط و ربط این نشریه نیز همان خط و ربطی است، که طرفداران خلیل ملکی داشتند و هنوز بعد از ۴۰ سال نمی‌خواهند از خواب بیدار شوند و ببینند که نبود اتحاد شوروی در شمال ایران، چگونه تمامیت ارضی کشور ما را با خطر روبرو ساخته است. کینه و دشمنی آنها با حزب توده ایران هم که لازم به تذکر و جلب توجه و دقت نیست. این فصل نوین زندگی سیاسی آقای کشتگر نیز به کجا ختم خواهد شد، آینده نشان خواهد داد. آنچه که مورد توجه ما در این مطلب است، نه سیروسگذشته علی کشتگر و مرور حوادث گذشته، بلکه برخی حوادث امروزی است.

نشریه "میهن" اخیراً دو مقاله بالا بلند منتشر کرده، که در رابطه با موضعگیری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ارتباط با انتخابات اخیر مجلس اسلامی است. نشریه "کار" طی پاسخ نیمه تند و نیمه ملایم خود به علی کشتگر، این دو مقاله را تبلیغاتی علیه سازمان ارزیابی کرده است.

نویسندگان "کار" می‌توانند در رابطه با مقالات اخیر "میهن" و "علی کشتگر" نظر و ارزیابی خود را داشته باشند، که محترم نیز هست، اما بنظر ما این دو مقاله که ما نیز آنها را خوانده‌ایم، پیش از آنکه در دشمنی با سازمان اکثریت نوشته شده باشد، در رقابت با سازمان مذکور انتشار یافته است! "رقابت" تعریف و مفهوم خاص خود را دارد: دو رقیب، دو حریف و... معمولاً وقتی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، که هر کدام مدعی دیگری باشد. مثل دو مدعی یک عرصه ورزشی، یک عرصه سیاسی، یک عرصه هنری و...

دشمنی هم تعریف خاص خود را دارد: ستیز تا فراسوی مرز ناپودی! لحن سخن و مقاله نشریه میهن، اولی است، نه دومی!

چرا و براساس چه استدلال و شواهدی؟

به نظر ما، آقای علی کشتگر، که شاهد جا افتادن خط جدید خود در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است، نمی‌تواند ناظر بی‌ادعا، بی‌طرف و خواننده ساده دل و بی‌نظر صفحاتی در نشریه "کار" باشد، که نویسندگان توده‌ای ستیز نشریه "میهن" بی‌دغدغه از بازشدن برخی دهان‌ها درباره نقش سال‌های پیش و پس انقلاب بهمین آنها، در آن قلم فرسایی می‌کنند! علی کشتگر خود را دارای نسق می‌داند و بر همین اساس نیز آن دو مقاله در نشریه "میهن" چاپ شده است.

«... مرحله دوم انتخابات مجلس شورا برگزار گردید. انتخابات این دوره همانند دوره های قبلی تنها عرصه رقابت و کشمکش نیروهای وابسته به نظام اسلامی بود.»

(به تعریف رقابت که در بالا آمد مراجعه کرده و بین مخالفان برنامه تعدیل اقتصادی و طرفداران آزادی ها، با موافقان برنامه تعدیل اقتصادی و طرفداران سرکوب آزادی ها رابطه را پیدا کنید!)

کارادامه می دهد:

«... اما با زاینده شدن گروه خدمتگزاران و ارائه لیست کاندیداتوری از جانب آن و نیز اعلام لیست کاندیداتوری از جانب ائتلاف خط امام، صحنه انتخابات تغییر یافت و رسالتی ها ناگهان با دو رقیب انتخاباتی مواجه شدند و انتخابات با شرکت طیف وسیع تری از نیروهای سیاسی وابسته به نظام اسلامی برگزار گردید.»

(این تغییر صحنه انتخابات، که نویسنده با صراحت آرا مطرح می کند، هیچ تغییر صحنه ای را در شماره های "کار" در هفته ها و ماه های پیش از برگزاری انتخابات همراه نمی آورد و بدین ترتیب مهاجرت مسیر خود را طی می کند و داخل کشور مسیر خود را. حتی اخبار این دوران هم در نشریه "کار" انعکاس جامع و دقیق ندارد! در این قسمت سرمقاله نیز هیچ اشاره ای به برنامه ها و دیدگاه های آن گروه و این ائتلاف (اصطلاحات از "کار" است) که بصورت وسیع در نشریات داخل کشور منتشر شد، نمی شود! دلیل آن نیز معلوم است، زیرا سیاست تحریم از ماه ها پیش (همانطور که "کار" نوشته) تنظیم شده بود و بنابراین آن بیانیه زودرس رهبری سازمان، نباید با انتشار این واقعیات یکباره زیرعلامت سوال می رفت! و موضع دیگری اتخاذ می شد. این شعار و مشی برای رکود جنبش تنظیم شده و اتخاذ شده بود و برای حفظ آن باید چشم برحقایق جدید جامعه بسته میماند! سرمقاله نویسی "کار" به خود زحمت هم نمی دهد، که به خوانندگانش توضیح بدهد بالاخره فرق رسالتی ها و آن دو گروه و ائتلاف، که روسروی یکدیگر ایستادند چه بود و هست. دعوا برسر چیست؟ این نیز بخشی است، که باید برای ورود به آن مرز ممنوعه تحریم پشت سر گذاشته شود و آنوقت است، که به ده ها سوال دیگر باید پاسخ گفت! ضمنا در همین چند خط به شکست شعار تحریم و شرکت مردم در انتخابات تلویحا اعتراف شده است. در چند خط پائین تر از همین سرمقاله این اعتراف با صراحت بیشتری مطرح می شود، که می خوانید)

سرمقاله تاریخی و بسیار خواندنی "کار" چنین ادامه می یابد:

«... گروه کارگزاران، بدون اعلام برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تنها با شعارهای کلی، حیات سیاسی خود را اعلام کرد و توانست تعداد زیادی از کاندیداهای خود را راهی مجلس کند. بخش قابل توجهی از رای هائی که به نفع گروه کارگزاران ریخته شد، به خاطر طرفداری از این جریان نبود، چرا که این جریان مجری همان برنامه تعدیل اقتصادی است که اقتصاد کشور را فلج کرده و مردم را به فلاکت و فقر بیشتر سوق داده است. آن رای ها در حقیقت جواب "نه" به جناح حاکم است، که سرکوب و اختناق شدیدتری را در برنامه خود دارد. بخشی از مردم به گروه کارگزاران رای دادند تا جناح حاکم نتواند مجلس را تماما به قبضه خود درآورد...»

(بدین ترتیب و براساس همین نوشته سرمقاله کار، اول مردم آگاهانه و برای گفتن پاسخ "نه" به جناح حاکم به پای صندوق های رای رفتند و در خانه های خودشان نشستند تا جناح حاکم برایشان صندوق ها را بپوشاند، دوم، اینکه مردم برای جلوگیری از تسلط کامل ارتجاع سرکوبگر و طرفدار اختناق شدیدتر به پای صندوق های رای رفتند، سوم، اینکه مردم جلوی جناح حاکم را برای قبضه کامل مجلس گرفتند، چهارم، مردم برای طرفداری از برنامه تعدیل اقتصادی به پای صندوق های رای رفتند.

بنابراین استدلال ها، که از سرمقاله "کار" استخراج شده، پس مردم بی اعتناء به اینکه کمی اول تحریم کرد و کسی دوم، انتخاب خودشان را کردند و راه خودشان را رفتند!

هر خواننده این سرمقاله "کار" حق دارد از نویسنده سرمقاله و مسئولین این نشریه سوال کند:

۱- آن شعارهای کلی که گروه کارگزاران مطرح کرد و آراء مردم را بدست آورد، کدام بود؟ و چرا پیش از انتخابات و در همان زمان که برسیاست تحریم پافشاری می کردید، این شعارهای کلی را برای آگاهی خوانندگان "کار" با صراحت اعلام نداشتید؟

۲- در این سرمقاله چرا از شعارها و برنامه های طیف چپ مذهبی (ائتلاف خط امام) چیزی ننوشته اید و اصولا چرا برنامه ها، شعارها و طرح های

آنها را پیش از برگزاری انتخابات انتشار ندادید تا خوانندگان "کار" بدانند در داخل کشور چه می گذرد؟

۳- چرا اشاره ای به تعداد کاندیداهای این طیف اخیر نکرده اید، که ظاهرا بر خلاف گروه خدمتگزاران، مردم با آگاهی از برنامه آنها، به نفرت و لیست آنها رای داده اند؟

در این سرمقاله، جای چند توضیح نیز خالی است. از جمله اینکه "جناح حاکم" کیست؟ اگر به پایگاه های طبقاتی این جناح هم نمی خواهید اشاره کنید و آرا بر خورد "ایدئولوژیک" می دانید، بنویسید که کار و کاسبی آنها چیست؟ کدام مواضع اقتصادی و سیاسی را در حکومت دارند؟ قدرت مطلق و سرکوب سراسری را می خواهند، زمینه ساز دسترسی به کدام هدف کنند؟ مرض قتل و کشتار دارند؟ و یا هدفی را هم ماورا قتل و کشتار و اختناق سراسری دنبال می کنند!؟

ماورا فلج اقتصادی، یعنی چه؟ اقتصاد در یک کشور سرمایه داری پیشرفته هم می تواند فلج شود، در کشورهای جهان سوم، با انواع حکومت ها نیز اقتصاد می تواند فلج شود! این چه تعبیر و تفسیری است که جز گمراهی و بی خبری از وضع مملکت هیچ نتیجه ای را به همراه نمی آورد. رونق اقتصادی و یا فلج اقتصادی، که تعریف اوضاع اقتصادی امروز ایران، که شما هم بدرستی آرا معلول برنامه "تعدیل اقتصادی" اعلام داشته اید نیست! این برنامه ایران و مردم آرا به سیه روزی نشانده است. اما این برنامه از کجا آمده؟ میتکران کیست؟ چرا به ایران دیکته شده؟ کی دیکته کرده؟ مجریان آن کدام کار و کاسبی و شغلی (پایگاه طبقاتی) را در جمهوری اسلامی دارند؟ و... می بینید، اگر یک وجب امر مزمن ممنوعه ای که برای خود ساخته اید، قدم اینطرف تر بگذارید با چه انبوهه ای از سوالات و واقعیات روبرو هستید؟ تا ابد می توان پشت این مرزها ایستاد؟ همین انتخابات اخیر و شعار تحریم و پیامدهای ناگزیر آن می گوید: نه "نه" ی شبیه همان پاسخی که مردم در انتخابات اخیر دادند! افتخار "تحریم" را بگذارید برای "علی کشتگر" بنشینید دور هم و بنشینیم دورهم و آنچه را از استدلال و منطق و اطلاع (که جای آن صفحات نشریات نیست) داریم بریزیم روی میز، ببینیم از داخل آن کدام تحلیل نزدیک به واقعیت جامعه امروز ایران بیرون می آید. اینست آن گام انقلابی که باید به آن افتخار کرد، نه آن استدلالی که برای "علی کشتگر" نوشته اید!

چرا و با چه هدفی آراء مردم را باطل اعلام کردند؟

"کار" در همین شماره، و در گزارش مربوط به اخبار انتخابات، چند خبر بی تفسیر را هم در صفحه دوم خود منتشر کرده است. این خبرها مربوط است به ابطال آراء مردم در چند شهر. یعنی مسازره حکومت با رای مردم، نه مبارزه با تحریم مردم! کار می نویسند:

«... در حالی که روز جمعه ۳۱ فروردین انتخابات مرحله دوم مجلس پنجم در جریان بود، کار بررسی نتایج انتخابات مرحله اول ادامه داشت. شورای نگهبان در مرحله اول انتخابات، آرای شهرهای اصفهان (کار رقم این آراء را که نزدیک به ۶۰۰ هزار بوده نمی نویسد)، نائین، نجف آباد، میاندوآب، خمین، آستارا، برخوار، میمه، ملایر، تفرش و آشتیان را به نفع جامعه روحانیت مبارز باطل کرد. در این مناطق به نفع کاندیداهای جناح رسالت رای کسی به صندوق ها ریخته شده بود. شورای نگهبان در شهرهای سیرجان، زنجان، میبد، اردکان و ساوه با ابطال آرای برخی صندوق ها به جایگزینی افراد دلخواه پرداخت.»

کار نمی نویسند: چگونه شد، که مردم، یکباره به کاندیداهای جامعه روحانیت رای ندادند؟ زمینه های قبلی چه بود؟ این جامعه چه می خواهد بکند و چه کرده است که مردم به کاندیداهای آن رای ندادند؟ (نام آنها را در آراء خود ننوشتند! نه آنکه رفتند خانه هایشان نشستند و تحریم کردند!) چگونه شد، که یکباره مردم امکان انتخاب پیدا کردند و به کاندیداهای رسالت و روحانیت

«تلاش حماسی روزنامه نگاران و نویسندگان ترقیخواه میهن برای جلوگیری از تعطیل نشریات مستقل موجود و حفظ سنگرهای روشنگری و فرهنگ گستری در کشور، امروز کارسازترین عرصه کارزار مردم ما در برابر استبداد است»

ما هیچ نداریم که براین سرمقاله بیافزائیم، اما سوال بسیار داریم: آن موضعگیری مردم در برابر حکومت که به آن اشاره کرده‌اید، چگونه آشکار شد؟ با تحریم و یا با شرکت در انتخابات و رای ندادن به شناخته شده ترین چهره های حکومتی؟ یورش که توسط استبداد و با سرعت سازمان داده می شود، بدنبال چه رویدادی تدارک دیده شد؟ بدنبال تحریم انتخابات؟ و با بدنبال مقابله مردم با حکومت درپای صنوق های رای و آشکارشدن قانونی پایان مشروعیت حکومت؟

اگر تلاش روزنامه نگاران و نویسندگان ترقیخواه میهن برای جلوگیری از تعطیل نشریات مستقل موجود و حفظ سنگرهای روشنگری و فرهنگ گستری کارسازترین عرصه کارزار مردم علیه استبداد است (که هست!)، چرا نمی نویسید، که برای پیوستن به این کارزار چه کرده‌اید؟ چرا به نامه ها و هشدارهای ما برای دفاع از این سنگر پاسخ ندادید؟ چرا پاسخ به "سوالات نشریه کار از خوانندگان" را که برای ما نیز ارسال داشته بودید و در کوتاه ترین زمان برایتان ارسال شد، با تاخیر و با حذف اساسی ترین قسمت های آن که مربوط به همین کارزار و ضرورت شناخت و دفاع از آن بود، منتشر کردید؟

اگر صادقانه به این سوالات پاسخ نگوئید و درعین اعترافاتی نظیر این سرمقاله، همچنان بدنبال جلب رضایت امثال علی کشتگرهم باشید، نه تنها راه به جایی نمی برید، بلکه آن اعتماد به صداقت را نیز جلب نمی کنید!

خبرها و نظرها!

نشریه کاردهمین شماره و در صفحه خبرها و نظرهای خود مطلب دیگری هم دارد. این مطلب گزارشی است از موضع گیری احزاب و سازمان ها پیرامون انتخابات اخیر. در این گزارش که به نقل از نشریه "پیام فردا" به این صفحه راه یافته است، معلوم نیست بالاخره موضع خود این "پیام فردا" برای امروز که یورش اشاره شده در همین شماره کار مطرح است، چیست و یا دیروز که انتخابات انجام شد، چه بوده است!

در همین صفحه و در ادامه گزارش مورد اشاره، چند خطی از اطلاعیه "راه توده" مربوط به پیش از آغاز انتخابات مجلس اسلامی، نیز انتشار یافته است. اطلاعیه راه توده با عنوان "انتخابات مجلس" و از پیروزی جنبش آزادیخواهی مردم ایران دفاع کنیم" و "به سود دو گروهبندی انتخاباتی "مجاهدین انقلاب اسلامی" و کارگزاران و در جهت درهم شکستن رای "ارتجاع" فعالیت خود را تشدید کنیم"، انتشار یافته بود. کاراز میان همه این عناوین عنوان کلی "انتخابات مجلس" را برگزیده و در حالیکه می نویسند "نشریه راه توده بطور مفصل به تحلیل شرایط جامعه درآستانه مرحله دوم انتخابات ... پرداخته"، از این تحلیل مفصل، فقط چند خط را منتشر ساخته و از آن تعجب آورتر، که امیدواریم براتر سهل انگاری بوده باشد، این اطلاعیه را که در تاریخ ۱۵ اسفند منتشر شده، مربوط به مرحله دوم انتخابات (پایان فروردین ماه) معرفی کرده است، که امیدواریم این توضیح درنشریه کار و برای اطلاع خوانندگان این نشریه منتشر شود.

تشنج به سود هیچکس نیست!

نشریه پیام دانشجو در آخرین شماره خود، در رابطه با سخنرانی های تحریک آمیز "علی خامنه ای" که در همین شماره راه توده آنرا می خوانید، در تدارک یورش به دانشگاه ها و مراکز فرهنگی و مطبوعات، با عنوان بزرگ در صفحه اول خود نوشت: "تشنج به سود هیچکس نیست"

من به شما توصیه می کنم!

در گرما گرم رویدادها و مقاومت ها، رهبر جمهوری اسلامی "خامنه ای"، با احضار میرسلیم، عضو رهبری حزب "موتلفه اسلامی"، به وی گفت که از کنترل بیشتر مطبوعات غفلت نکند، خطر از اینجاها تشدید شده است. خامنه ای گفت، که به عرصه کتاب، فیلم و موسیقی بیشتر توجه و حساسیت دارد. احضار میرسلیم از روی سر هاشمی رفسنجانی - و توصیه به صفت کردن کمربند های اختناتی، یک سلسله شایعات را پیرامون موقعیت رفسنجانی در ایران بوجود آورده است.

مبارز رای ندادند؟ اگر این امکان انتخاب و نشان دادن مخالفت قانونی و آشکار وجود داشت (که داشت) پس نقش شما بعنوان "پیشواز" کجا بود؟ در این یازده شهر چه گذشت؟ گزارش های خود شما از محل چیست؟ ارتباط با داخل کشور ندارید؟ پس چگونه و بر اساس کدام اطلاع و تحلیل، از ماه ها پیش شعار "تحریم" می دهید؟ چرا درباره انتخابات تبریز، مشهد و شیراز چیزی ننوشته اید؟ حوادث خونین اخیر تبریز، پیامد تحریم انتخابات است و یا شرکت در انتخابات؟

نامه مردم

حالا که معیار انقلابی بودن و پیشواز بودن، در "تحریم انتخابات" است، و هر کس زودتر "تحریم" کرده انقلابی تر و پیشوازتر بوده، چرا نباید حق نویسندگان "نامه مردم" داده شود؟ آنها هم، مثل شما، بر اساس شناخت و درکی که از اوضاع داخل کشور (لابد رکود جنبش و کم آگاهی مردم در تشخیص) داشتند، انتخابات را تحریم کرده بودند و به پیشواز تحریم رفته بودند. البته با یک ماه تاخیر و بدنبال شما، که این البته آنقدر اهمیت ندارد، ماه و سال که آنقدر اهمیت ندارد!

نامه مردم در شماره ۴۶۸ (۱۴ آذر ۷۴) یکماه بعد از شما نوشت: "تحریم انتخابات" فرمایشی یک وظیفه ملی و انقلابی" نامه مردم ۴۷۳ (۲۴ بهمن ۷۴): "هشدار به نیروهای سیاسی کشور- شرکت در "انتخابات" مشروعیت دادن به رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است"

ماجرای در حد مقاله و سرمقاله محدود نماند و نامه مردم در شماره ۴۷۴ (۸ اسفند ۷۴) اعلامیه ای بنام کمیته مرکزی صادر کرد و نوشت: «با تحریم "انتخابات" مبارزه علیه رژیم استبدادی حاکم راتشدید کنیم!» همین سیاست و مشی تا برگزاری اولین دوره انتخابات اخیر نیز ادامه یافت. همانگونه که شما نوشته اید در "کار" نیز ادامه یافت!

حالا و بر اساس همین عناوین که در بالا آمد، از نویسندگان و صادرکنندگان اعلامیه باید پرسید:

- ۱- مردم با رای ندادن به ارتجاعی ترین جناح حاکم و شکست روحانیون حکومتی و متحدین آن، به وظیفه ملی خودشان عمل نکردند؟
- ۲- مردم با رای ندادن به روحانیون حکومتی، به استبداد "ولایت فقیه" مشروعیت بخشیدند؟
- ۳- آنچه که حاصل عملی انتخابات اخیر است، به معنای تشدید نشدن مبارزه علیه رژیم استبدادی است؟

بهتر نیست مدال تحریم انقلابی انتخابات را تقسیم کرد؟

از سرمقاله نویس "کار" باید پرسید: چگونه باید به یاری مطبوعات رفت؟

نشریه "کار"، ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره ۲۸ اردیبهشت ماه خود، که درآستانه انتشار شماره ۴۸ "راه توده" بدست ما رسید، در سر مقاله صفحه اول خود، باعنوان "سنگرهای آزادی را نگهداریم!" مطالب قابل توجهی را مطرح کرده است. در این سر مقاله که متأثر از نتایج انتخابات اخیر مجلس اسلامی و تدارک یورش به مطبوعات از جانب ارتجاع قدرتمند در جمهوری اسلامی است، از جمله آمده است:

"... اکنون پس از انتخابات - که به نوبه خود نموداری از موضع گیری مردم علیه گردانندگان حکومت بوده است- بار دیگر جنگ حکومتیان با مطبوعات شدت گرفته است. همه نشریات مستقل بشدت زیر فشار هستند، و برخی در خطر تعطیل قرار گرفته اند. جناح راست افراطی که ابتکار حمله به مطبوعات مستقل را در دست دارد، دامنه حملات خود را تا برخی از نشریات وابسته به جناح های معتدل تر حکومتی نیز بسط داده است"

"کار" در ادامه و با اشاره به سخنان اخیر علی خامنه ای و خط و نشان هائی که برای مطبوعات ایران کشیده است، می نویسد: